
« بسم الله الرحمن الرحيم »

جرعه ای از قرآن و حدیث

علی اکبر شایسته نژاد

فروردین ۱۳۸۴

سر شناسنامه	: شایسته نژاد، علی اکبر، ۱۳۳۲-
عنوان و نام پدید آور	: جرعه‌ای از قرآن و حدیث / علی اکبر شایسته نژاد
مشخصات نشر	: تهران؛ دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، ۱۳۸۴.
مشخصات ظاهری	: ۲۱۶ ص.
شابک	: ۹۶۴-۹۵۵۸۹-۴-۲: ۲۴۰۰۰ ریال
یادداشت	: کتابنامه: ص {۲۱۳} - {۲۱۶}; همچنین به صورت زیر نویس
موضوع	: اسلام - مسائل متفرقه .
موضوع	: قرآن - تحقیق .
شناسه افزوده	: دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی
رده بندی کنگره	: ۴ج۲۶ش/ BP۸
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۰۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۸۴/۲۱۳۶۵ م



دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی

عنوان	: جرعه‌ای از قرآن و حدیث
تألیف	: علی اکبر شایسته نژاد
ناشر	: دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی
نوبت چاپ	: پاییز ۱۳۸۴
لیتوگرافی	: سعیدی
چاپ	: زیتون
ناظر فنی	: نشر شرح
شمارگان	: ۱۰۰۰ جلد
قیمت	: ۲۴۰۰
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۹۵۵۸۹-۴-۳

« إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ »

(سوره اسراء - آیه ۹)

تقدیم به :

اساتید بزرگواری که ، درس قرآن را ، با زمزمه محبت به ما آموختند

.

و

همه کسانی که می کوشند تا با عمل به تعالیم قرآنی ، عشق به

قرآن را

در وجود جوانان بیدار کنند .

و

حافظان و معلمان قرآن که با غبار رومی این کتاب مقدس ، از

اسرائیلیات و خرافات ، زمینه پروا پیشگی و آگاهی و عدالت جویی

را

در اندیشه تشنگان فضیلت ، احیاء می کنند .

تقدیر و تشکر

از اساتید بزرگوار :

حضرت حجه الاسلام و المسلمین ، دکتر سید محمد باقر

حجتی

استاد ارجمند ، دکتر مجید معارف

حضرت حجه الاسلام و المسلمین ، دکتر احمد بهشتی

که با راهنمایی خود ، نواقص کار مرا ترمیم کردند ،

صمیمانه

تشکر می کنم .

همچنین از همکاران محترم دانشگاه تربیت دبیر شهید

رجایی ،

به ویژه همکاران مدیریت محترم پژوهشی

قدردانی و تشکر می نمایم .

فهرست مطالب

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
	<u>فصل سوم:</u>	۳	پیشگفتار
۳۴	قدردانی	۳	جرات تألیف
۳۵	مفهوم حمد	۴	ران مور
۳۶	قدرشناسی	۴	بررسی ادبیات
۳۷	اهمیت " الحمدلله "	۵	ویژگی این اثر
۳۸	مراتب شکر	۶	هدف از نگارش
۳۸	۱ - شکر نسبت به خدا		<u>فصل اول:</u>
۴۰	۲ - شکر نسبت به خود	۷	قرآن
۴۱	۳ - شکر نسبت به دیگران	۸	مخاطبین قرآن
۴۲	فوائد قدرشناسی	۱۲	جاودانگی قرآن
۴۴	افزونی نعمت	۱۵	قرآن در متن زندگی
۴۵	نعمت های بی شمار	۱۷	مر بیان قرآن
۴۷	بالاترین نعمت		<u>فصل دوم:</u>
۴۹	الگوی شکر گزاری	۱۹	یاد خدا
	<u>فصل چهارم:</u>	۲۰	ساختار " بسم الله "
۵۱	دعا	۲۱	جایگاه بسم الله در ...
۵۵	دعا چیست ؟	۲۴	آثار یاد خدا
۵۶	جایگاه ارزشی دعا	۲۵	۱ - آرامش قلب
۵۸	غفلت از خویشتن	۲۷	۲ - صفای قلب
۵۹	علل تأخیر در اجابت	۲۸	۳ - احساس حریت
۵۹	۱ - علاقه خداوند ...	۲۹	الگوهای نیاز
۶۰	۲ - کم ظرفیتی	۲۹	آوای ابراهیمی
۶۱	۳ - لقلقه زبان	۳۰	آوای علوی
۶۲	۴ - خلاف نظام طبیعت	۳۰	۴ - بهترین پناهگاه
۶۲	۵ - جایگزین فعالیت و..	۳۱	گمشدگان
۶۳	کسالت و تنبلی در دعا	۳۲	اوج عزت و افتخار
۶۳	خواب آلودگی	۳۲	اطاعت امر

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۸۰	رؤیای صادق ...	۶۴	سبک شمردن حق خدا
۸۰	۱ رؤیای حضرت یوسف	۶۴	دروغ گویی
۸۰	۲ رؤیای حضرت ابراهیم	۶۴	ناسپاسی
۸۰	۳ چند رؤیای پیامبر(ص)	۶۴	دوری از مجلس ...
۸۰	۱-۳ فتح مکه	۶۴	غفلت
۸۱	۲-۳ شجره ملعونه	۶۴	انس با بیهوده کاران
۸۱	۳-۳ اندک نمایی دشمن	۶۴	راتده شدن
۸۲	آگاهی ائمه ..	۶۴	گناه
۸۲	انسان های برتر ..	۶۴	بی حیایی
۸۳	مددهای غیبی	۶۵	دعا و جامعه
۸۵	نمونه هایی از ...	۶۶	شرایط اجابت دعا
۸۵	۱ قضاوت سلیمان (ع)	۶۶	۱ - پرهیز از گناه
۸۵	۲ تعلیم زره سازی ..	۶۶	۲ - ثنای خداوند و ...
۸۶	۳ الهام تعبیر خواب	۶۷	۳ - پافشاری و اصرار
۸۷	۴ همراهی " عبد صالح "	۶۷	۴ - عمومیت دعا
۸۶	۵ الهام به مادر موسی(ع)	۶۸	۵ - زمان و مکان دعا
۸۶	۶ الهام به حواریون	۶۸	تبلور دعا
۸۶	۷ آموزش به همه ...	۶۸	دعا و مزاح پیامبر
۸۷	ارتباط دو گانه	۶۹	بار الها
۸۷	ظهور منجی		فصل پنجم:
	فصل ششم:	۷۰	غیب
۹۰	نماز	۷۱	ایمان به غیب
۹۳	نماز غذای روح	۷۲	غیب چیست؟
۹۵	غذای مسموم	۷۳	آگاهان از غیب
۹۵	۱ حرام خواری	۷۴	غیب ، عامل تعلیم و ..
۹۶	۲ ریا	۷۵	قیامت ، محل افشای ...
۹۷	۳ کسالت و بی توجهی	۷۶	کارگزاران غیب
۹۸	۴ استخفاف	۷۹	پیامبر ان و آگاهی ...
۹۹	ضرورت های نماز		

صفحه	عنوان	صفحه	عنوان
۱۲۵	۳ آتشی در باغ	۹۹	۱ خشوع
۱۲۵	۴ بادی سرد و سوزان	۱۰۰	۲ استمرار نماز
		۱۰۱	مراقبت از نماز
		۱۰۲	دست آوردهای نماز
		۱۰۲	۱ جلوگیری از پلیدی
		۱۰۳	۲ آرامش باطنی
		۱۰۴	۳ - عدالت اجتماعی
		۱۰۵	۴ - روح آزادگی
		۱۰۵	۵ - اعتماد به نفس
		۱۰۴	انواع نماز
		۱۰۶	۱ نماز خوف
		۱۰۷	۲ نماز شب
		۱۰۸	۳ نماز جمعه
		۱۰۸	نماز عشق
			فصل هفتم:
		۱۱۰	انفاق
		۱۱۲	احترام به مالکیت
		۱۱۶	جدال توانگر و دوریش
		۱۱۷	فرار از انفاق
		۱۱۷	۱ به بهانه خواست خدا
		۱۱۸	۲ وسوسه شیطان
		۱۱۸	۳ ترس از فقر
		۱۲۰	نخستین گام در انفاق
		۱۲۰	اعتدال در انفاق
		۱۲۱	زمان انفاق
		۱۲۲	آثار انفاق
		۱۲۴	مثل های قرآن
		۱۲۴	۱ بذری بر روی سنگ خارا
		۱۲۴	۲ باغی بر فراز تپه
صفحه	عنوان		
۱۲۶	۵ آزادگی و حریت		
۱۲۶	۶ هر دانه مساوی ۷۰۰ دانه		
۱۲۷	داستان انفاق		
۱۲۷	برترین انفاق		
۱۲۸	با شکوه ترین صدقه		
۱۲۸	گردنه های صعب العبور		
۱۲۹	بالاتر از انفاق		
	فصل هشتم:		
۱۳۱	موعظه		
۱۳۳	حیله های مشرکین		
۱۳۴	پند نا پذیری		
۱۳۴	۱ کافران		
۱۳۵	۲ افراد بی توجه		
۱۳۷	۳ مترفین		
۱۳۷	۴ متکبرین		
۱۳۸	اندرز دهندگان		
۱۳۸	۱ قرآن کریم		
۱۳۹	۲ پیامبر(ص)		
۱۴۰	۳ تاریخ		
۱۴۰	۴ ایام الله		
۱۴۱	۵ مرتبی		
۱۴۱	گزینش اصلح		

فهرست مطالب

۱۶۷	انقلاب قلب	۱۴۲	تأثیر گذاری موعظه
۱۷۰	عوامل تباهی قلب	۱۴۴	موعظه مهم خداوند
۱۷۰	۱ گناه	۱۴۵	تأثیر عمیق موعظه
۱۷۱	۲ کبر و غرور	فصل نهم:	
۱۷۲	۳ شک و تردید	۱۴۸	نفاق
۱۷۳	۴ دنیا زدگی	عنوان	
۱۷۴	۵ کینه توزی	صفحه	نفاق از نظر قرآن
صفحه	عنوان	۱۵۰	ویژگی های منافقین
۱۷۵	۶ قساوت قلب	۱۵۱	۱ خدعه و نیرنگ
۱۷۶	انواع قلب	۱۵۱	۲ داعیه اصلاح طلبی
۱۷۸	عوامل نورانیت قلب	۱۵۲	۳ تحقیر مؤمنان
۱۷۹	۱ یاد خدا	۱۵۳	۴ کارشکنی
۱۷۹	۲ قرآن کریم	۱۵۴	۵ ترس و وحشت
۱۸۰	۳ اخلاص	۱۵۶	صفحه
۱۸۰	۴ بزرگداشت شعائر الهی	عنوان	
فصل یازدهم:		صفحه	۶ سوگند دروغ
۱۸۲	اصلاح گری	۱۵۷	۷ دنیا زدگی
۱۸۴	مصلحین ...	۱۵۷	۸ بی ثباتی
۱۸۵	ویژگی های مصلحان	۱۵۸	۹ بی انصافی
۱۸۵	۱ خود سازی	۱۵۹	۱۰ بی پناهی
۱۸۷	۲ توبه و بازگشت	۱۶۰	دو مثال قرآن
۱۸۹	۳ اصول گرایی	۱۶۱	۱ تاریکی و سرما
۱۹۱	۴ دقت و استحکام در کار	۱۶۱	۲ رعد و برق
۱۹۲	حکایتی از پیامبر(ص)	۱۶۲	منافقان در روایات
۱۹۲	شاخصه های ...	فصل دهم:	
۱۹۳	اصلاح میان مؤمنان	۱۶۵	قلب
		۱۶۷	کسب معرفت

فهرست مطالب

۱۹۴	سخن پاکیزه ...
۱۹۶	عدالت ، معیار اصلاحات
۱۹۶	امام حسین (ع) و ...
۱۹۷	وارثان زمین
۱۹۸	وعده حتمی خدا
۱۹۸	قیام مهدی (عج)
۱۹۹	مشخصه های کلی ...
	فهرست اعلام
	منابع و مؤخذ

« بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ »

فصل اول :

قرآن :

« فَأَفْرءُ وَا مَا تَيْسَّرُ مِنَ الْقُرْآنِ »

نقش قرآن چون که بر عالم نشست
نقشه های پاپ و کاهن را شکست
فاش گویم آنچه در دل مضمراست
این کتابی نیست چیزی دیگر است
چون که در جان رفت جان دیگر شود
جان چو دیگر شد جهان دیگر شود^۱

قرآن، مائده نورانی خداوند است که انسان را از ظلمت طبیعت و نفس، به روشنایی و از گمراهی به هدایت و راستی دعوت می‌کند.
پیامبر عزیز اسلام (ص) فرمودند:

فَإِذَا التَّبَسَّتْ عَلَيْكُمْ الْفِتْنُ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلَمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ^۲

آنگاه که فتنه‌ها و آشوب‌ها، همانند شبی تاریک و ظلمانی شما را بپوشاند، توصیه و تأکید می‌کنم که به قرآن پناه ببرید.

قرآن، حبل الله المتین، شفای بیماری‌ها، با ظاهری آراسته و باطنی ژرف و عمیق است. که باید سخن گفتن را از او طلب کرد. و با تدبیر و تعمق، راز و رمز سعادت را از آیات آن کشف کرد.

^۱ - اقبال لاهوری، محمد، کلیات اقبال، با کوشش احمد سروش، تهران، انتشارات سنایی، ۱۳۷۶
^۲ - طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳، جلد اول ص ۱۲ و با همین عبارت کافی - ج ۲ - ص ۵۹۸ کتاب فضل قرآن / تفسیر عیاشی، ج ۶، ص ۲ / وسایل الشیعه، ج ۶، ص ۱۷۱ باب استحباب التفکر فی معانی القرآن / بحار الانوار ج ۸۹، ص ۱۷ باب فضل القرآن / و با عبارت اذ التبت علیکم الامور بحار الانوار ج ۷۴، ص ۱۳۶ ارشاد القلوب ج ۱ - ص ۷۹ / اعلام الوری نیز با همین عبارت نقل کرده‌اند.

با تعالیم و مقررات این کتاب افراط در تمایلات مادی و معنوی و تضاد میان خواسته‌های روحی و غرایز جسمی در عمل کنندگان به این شریعت از میان رفت. و با توجه به انگیزه‌های فطری و انجام درخواست‌های مشروع به تهذیب خلق و تکمیل نفس و تحکیم عقل پرداختند. و فاصله میان دیر نشینان و واپس زده‌های چشم از دنیا پوشیده و دنیا پرستان چشم به مال و شهوت دوخته را برداشتند. و چشم‌هایی را به دیدن ارتباط و تلازم ماده و معنا، دنیا و آخرت گشودند و در صراط مستقیم عمران دنیا و پیشرفت عقبی به راه افتادند و ناهماهنگی میان جسم و جان را از میان برداشتند.^۱

این توحید در عقیده و هدف و باز شدن چشم‌های جهان بینی، این تحوّل نفسانی و هماهنگی قوای روانی و بیدار شدن استعدادها و جوشیدن سرچشمه‌های فضایل و از میان برداشتن فاصله‌های وهمی و ساختگی و گسترده شدن سایه عدالت و قدرت سازندگی و ابتکار، همه از آثار تابش مستقیم قرآن بر زوایای نفوس و پرتو هدایت آن بود.

عروس حضرت قرآن نقاب آنکه براندازد

که دارالملک ایمان را منزّه بیند از غوغا^۲

مخاطبین قرآن:

همه انسانها، مخاطب قرآنند. هر کس که با قرآن همنشین شود، از هدایت آن بهره‌مند خواهد شد و عوامل گمراهی و ضعف از او رخت بر خواهد بست.

همانگونه که انسانها، در بهره‌گیری از نعمت‌های مادی جهان و ارزاق طبیعی، متفاوتند و هر فردی بر اساس استعداد و ظرفیت و تلاش و کوشش خود از آن بهره‌مند می‌شود. در رابطه با نعمت‌های روحی و ارزاق معنوی نیز همین اصل جاری است.

رابطه انسانها با یک باغچه گل که یکی از زیبایی‌های تکوینی است، چگونه است؟

- عده‌ای در کنار باغچه می‌ایستند و از لطافت گلبرگها و زیبایی و ترکیب رنگها و تنوع ساختار ظاهری گلها لذت می‌برند.

- گروهی از شامه قوی و حساسی برخوردارند و علاوه بر لذتی که از حس بینایی نصیبشان می‌شود، از شمیم و عطر متفاوت گلها بهره می‌گیرند.

- جمعی دیگر، تیره گلها و روش پرورش و رشد و نمو آنها را می‌دانند و به مقایسه شیوه تکثیر، میزان عمر، انواع و اقسام و... آنها می‌پردازند.

- افرادی نیز علاوه بر امور فوق، از خواص درمانی و آثار دارویی گیاهان و شیوه استخراج عناصر حیاتی‌بخش آن آگاهند.

هر کس بر اساس میزان آگاهی و نوع احساس خود از آن بهره‌مند می‌شود. و البته بهره کامل را کسی می‌برد که در تمام ابعاد، دارای احساس و سلیقه و ذوق سلیم و مناسب باشد یقیناً افراد

^۱ - طالقانی، سید محمود، پرتوی از قرآن، شرکت انتشار، تهران، چاپ سوم، بی تا، ص ۳

^۲ - همان، ص ۱۷

بی ذوقی نیز هستند که خود هیچ رابطه و احساسی نسبت به گلها ندارند. و از کسانی که نسبت به گلها این همه احساسات به خرج می‌دهند، سخت گله‌مند و ناخرسندند.

حکایت گل‌های نورانی قرآن و کلمات حیات آفرین تشریحی خداوند نیز چنین است: عده‌ای فقط به کلمات و آیات الهی نگاه می‌کنند و پرتو انوار معنوی قرآن را، سرمه چشمان خود می‌کنند. که فرموده‌اند: نظر بر مصحف، بسان نگاه بر کعبه و رخسار والدین عبادت است. امام باقر (ع) فرمودند:

إِنَّ النَّظَرَ إِلَى الْكَعْبَةِ عِبَادَةٌ وَالنَّظَرَ إِلَى الْوَالِدَيْنِ عِبَادَةٌ وَالنَّظَرَ إِلَى الْمُصْحَفِ مِنْ غَيْرِ قِرَائِهِ عِبَادَةٌ^۱

نگاه کردن به کعبه و نگاه به (چهره) والدین و نگاه به قرآن، بدون قرائت آن، عبادت است. عده‌ای آیات را زمزمه می‌کنند و در پرتو آهنگ لطیف و موسیقی جانفرا و حرکت آفرین آن به وجد می‌آیند و نشاط و شادمانی خود را، با مرور بر کلماتی که با اراده خداوند بر زبان پیامبر عظیم الشان اسلام (ص) جاری شده است، تضمین می‌کنند.

گروهی نیز به غواصی در این دریای ژرف و وسیع می‌پردازند و جان خود را با صید علوم و فنون انسان سازی به شوق و ذوق می‌آورند.

جمعی پوسته الفاظ و کلمات را می‌شکافند و در باطن معانی و مفاهیم به گوهرهایی بی بدیل و مرواریدهایی ناب دست می‌یابند.

امام حسین (ع) می‌فرماید:

كِتَابُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى أَرْبَعَةِ أَشْيَاءَ، عَلَى الْعِبَارَةِ وَالْإِشَارَةِ وَاللِّطَائِفِ وَالْحَقَائِقِ. فَالْعِبَارَةُ لِلْعَوَامِّ، وَالْإِشَارَةُ لِلْخَوَاصِّ، وَاللِّطَائِفِ لِلْأَوْلِيَاءِ وَالْحَقَائِقِ لِلْأَنْبِيَاءِ^۲

کتاب خداوند عزیز و بزرگوار بر چهار اصل استوار شده است. عبارت و اشارت و لطائف و حقایق. عبارت، برای عموم مردم و اشارت برای خواص، لطائف برای اولیاء خدا و حقایق برای انبیای الهی است.

امام خمینی (ره)، رهبر فقید انقلاب فرمودند:

"قرآن، یک سفره ای است که انداخته شده است برای همه طبقات، یعنی یک زبانی دارد که این زبان، هم زبان عامه مردم است و هم زبان فلاسفه است و هم زبان عرفای اصطلاحی است و هم زبان اهل معرفت به حسب واقع. در این کتاب شریف مسائلی هست که مهمش مسائل معنوی است."^۳

^۱ - الحرّ العاملی، محمد بن الحسن، وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه (۲۹ جلد)، قم، مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۹ هـ. ق. ج ۱۳، ص ۳۶۴

^۲ - مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعه لعلوم الاثمه الاطهار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق. ج ۸۹، ص ۲۰ / و نیز جامع الاخبار ص ۴۱ / در بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۲۷۸ و نیز اعلام الدین، ص ۳۰۳ به نقل از امام صادق (ع) / و در عوالی اللیالی از امام علی (ع) نقل شده است.

^۳ - خمینی، روح الله - صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، ج ۲۰ - ص ۴۰۸

پس همه می‌توانند، همنشین قرآن شوند و هر کس به تناسب ذکاوت و توان و کوشش خود از لذایذ معنوی آن بهره‌مند می‌شود.

از عجایب قرآن، این است که در جمیع ادوار، عموم دانشمندان اسلامی، در همه رشته‌های علمی، با نظر تحسین و اعجاب به آن نگریسته‌اند. و قرآن منشأ پیدایش دانش‌های گوناگون بوده است. رافعی در اعجاز القرآن می‌نویسد:

"گروهی به ضبط لغات و تحریر کلمات و مخارج حروف و... پرداختند و علم قرائت را ابتکار کردند و قراء نامیده شدند. بعضی در معرب و مبنی بودن کلمات و انواع اسماء و افعال و... اندیشیدند و علم صرف و نحو را اختراع کردند. گروهی به ادله عقلیه و شواهد اصلیه و نظریه پرداخته علم اصول دین، را بنا نهادند طائفه‌ای در تخصیص و اخبار و نص و ظاهر و مجمل و متشابه و امر و نهی و... سخن گفتند و علم اصول فقه را بنا نهادند. دسته‌ای به حلال و حرام و سایر احکام نگریسته و علم فقه را تأسیس کردند. برخی با پرداختن به قصه‌های قرآن و نقل اخبار قرون و... علم تاریخ و قصص را بنیان نهادند. و جمعی با ذوق ادبی و قریحه شعری، در نظم بدیع و مبادی و مقاطع و تفنن در خطاب و ایجاز و اطناب و... تحقیق کردند و علوم معانی و بیان و بدیع را به وجود آوردند. گروهی به روشن ساختن مقاصد آیات اهتمام ورزیدند و علم تفسیر را بنا نهادند... " او در نهایت می‌گوید: "بی‌گمان قرآن سبب جمیع علوم اسلامی است و همه دارندگان آن، ماده اصل آن علم یا ماده بقاء و حیاتش را از این کتاب گرفته‌اند."^۱

دکتر موریس در مقدمه ترجمه قرآن می‌نویسد:

"همانا این کتاب را عنایت و اراده ازلی خداوندی برای کاروان بشریت ذخیره نموده است و این کتاب [قرآن] یک دریای مواج دانش است برای دانشمندان و اندیشوران. یک معجم لغت است برای کسانی که در جستجوی لغاتند. یک دایره المعارف است برای کسانی که در جستجوی شرایع و قوانین باشند و می‌توان ادعا کرد که تمامی کتب آسمانی کهن، حتی با یک آیه از آیات آن برابری نتواند کرد."^۲

قرآن، کتابی است که هم برای عرفای اهل کشف و شهود، و هم برای ارتشی و مرد جنگ و هم برای عابد گوشه‌گیر و هم برای حکام و سیاستمداران و برای همه اصناف و طبقات مردم جالب و تحریر آور است.

و یقیناً عده‌ای نیز بساط مکر و فریب می‌گستردند و چون جانها را مایل به این کتاب تکامل و تعالی می‌بیند، با دام مکر و حیل‌های که به نام قرآن می‌تنند و طعمه نفاق و بذر سود جویی و دنیا طلبی که می‌نهد، آیات الهی را به میل و سلیقه و هوس خود، تفسیر می‌کنند و موجبات عذاب جاودانه خود و گمراهی و ضلالت دیگران را فراهم می‌کنند.

رسول بزرگوار اسلام فرمود:

^۱ - شریعتی، محمد تقی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، بی‌تا، مقدمه (صص ۶۰ و ۶۱)

^۲ - نسخ در قرآن، ص ۳۱۰

كَمْ مِنْ قَارِيءٍ الْقُرْآنَ وَالْقُرْآنُ يَلْعَنُهُ^۱

چه بسا انسانهایی که قرآن تلاوت کنند، در حالی که قرآن، آنان را لعن و نفرین کند. جز عده‌ای از آیات قرآن که در باب احکام و حقوق است، امکان درک و فهم قرآن برای همه مهیا است و نباید از ترس ابتلا به تفسیر به رأی از تدبیر و تعمق در آن سر باز زد. امام خمینی (ره) می‌فرمودند:

"تفکر و تدبیر در آیات شریفه را به تفسیر به رأی، که ممنوع است، اشتباه نموده‌اند، و به واسطه این رأی فاسد و عقیده باطله، قرآن شریف را از جمیع فنون استفاده، عاری نموده، و آن را به کلی مهجور نموده‌اند، در صورتی که استفادات اخلاقی و ایمانی و عرفانی، به هیچ وجه مربوط به تفسیر نیست تا تفسیر به رأی باشد... پس محتمل است که تفسیر به رأی، راجع به آیات احکام باشد که دست آرا و عقول از آن کوتاه است، و به صرف تعبد و انقیاد از خزان وحی و مهابط ملائکه باید اخذ کرد."^۲

آری داستان قرآن، حکایت هدایت و ضلالت مسیر رشد و تکامل و سعادت و پرواز تا اوج خدا است. برای آنان که در قرآن، دواى دردشان را می‌جویند و به دنبال یافتن درمان آلام خویش هستند.

«وَنُزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَاهُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ^۳»

و ما آنچه از قرآن فرستادیم، شفای دل و رحمت الهی برای مؤمنان است. برای بهره‌وری از قرآن، باید طاهر بود. که فرمود «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ^۴» جز دست پاکان (و فهم خاصان) به حقیقت قرآن نرسد. و مسیر تباهی و ذلت و زبونی است، برای آنان که می‌خواهند، قرآن را وسیله‌ای برای تامین هوسهای آلوده و خواسته‌های کثیف خود نمایند.

«وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا^۵»

چه زیباست که خدا با انسان سخن بگوید.^۶ و این سخنان آسمانی و ملکوتی در جسم مادی انسان نفوذ کند و این جسم مرده، از فروغ کلمات جاودانه‌اش روشنایی یابد و نورانی شود. که قرآن کتاب زندگی و مظهر کامل حیات آفرینی و عامل دمیدن روح در کالبد انسان پویا و تعالی خواه است. و اتمام حجت و فصل خطابی است برای آنان که تن به حق و راستی نمی‌دهند و همانند کبک سر در شهوات نهاده‌اند، و از دشمن غافل شده‌اند.

«إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَ قُرْآنٌ مُّبِينٌ لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَ يَحِقُّ الْقَوْلَ عَلَى

^۱ - حکیمی، (محمدرضا / محمد / علی - الحیاه)، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۹ ه. ق. ج ۲، ص ۵۵ (با عبارت ربّ تال القرآن و القرآن یلعنه، نیز در منابع دیگر آمده است.)

^۲ - خمینی، روح الله، آداب الصلوه، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار، ۱۳۷۲. ص ۲۰۰

^۳ - سوره اسراء: ۸۲

^۴ - سوره واقعه: ۷۹

^۵ - سوره اسراء: ۸۲

^۶ - اگر می‌خواهی با خدا سخن بگویی نماز بخوان و اگر می‌خواهی خدا با تو سخن بگوید قرآن بخوان.

الْكَافِرِينَ^۱»

این کتاب ذکر الهی و قرآن روشن بیان (خدا) است، تا هر کس که زنده (دل) است، را با آیاتش پند دهد و (نیز پس از اتمام حجت) وعده عذاب بر کافران محقق و مسلم شود. قرآن کتاب زندگی ساز و زندگی آفرین و مناسب با ذائقه حق جوین و عدالت خواهان است و همانگونه که گاه غذای سالم مادی با مذاق بیمار عده‌ای، سازگار نمی‌افتد و موجب ناتوانی و ضعف آنان می‌شود. این غذای ارزشمند معنوی با جسم بیمار و علیل کافران، موافقت ندارد و وجودشان را رنجور و پریشان می‌کند. گل توحید، هرگز در شوره زار دل‌هایی که در آن علف‌های هرز قامت بر افراشته است، نمی‌روید. استماع قرآن، باید با پذیرش آن همراه باشد. و لازمه آن سکوت توأم با تمرکز است، تا آرامش باطنی انسان را تضمین کند. و ترتیل پیروی لفظی و معنوی از ترکیب ویژه آیات است که زمینه ساز سیر فکری و روحی در فضای قرآنی می‌باشد.

جاودانگی قرآن:

قرآن مجید، فطرت انسان را بیدار می‌کند و عقل و اندیشه او را از ظواهر تنگ و حصارهای محدود دنیا به اعماق هستی می‌کشاند و چراغ وحی موجب روشنایی راهی می‌شود که فروغ عقل، توان ظلمت‌گشایی آن را ندارد. قرآن، کتاب فطرت است. و تا انسان بر فطرت انسانی خود باقی است، دستخوش کهنگی و عقب افتادگی نمی‌شود.

قرآن در باره عقاید و اصول اندیشه، که مبانی اساسی حرکت و زیربنای تحول و تلاش انسان است، با بیانی لطیف و عمیق، حقایقی ناب و جاودانه را در جملاتی کوتاه، بیان می‌کند. چنانکه تمام فلاسفه و متکلمین، در برابر ژرفای مفاهیم و تأثیر شگفت‌انگیز آن در احیای حقایق، زبان به عجز خود گشوده‌اند.

تبیین جهان بینی معنوی قرآنی، بر اساس توحید، نبوت و معاد، از بالاترین و دقیق‌ترین، شیوه‌های استدلالی برخوردار است. تا آنجا که اندیشه‌هایی بزرگ، به ضعف خود در شرح جمله ای کوتاه چون «**اللَّهُ الصَّمَدُ**»، اعتراف کرده‌اند. یقیناً آنجا که سخن از معاد است، و دست بشر از امور نهان و عالم معنا کوتاه است، این عجز و ناتوانی مضاعف می‌شود.

آنجا که سخن از تاریخ و وقایع گذشته است، قرآن با پرهیز از قصه بافی، در کوتاهترین و زیباترین عبارات، به تناسب جایگاه تربیتی هر سوره، تلمیحی لطیف و اشاره ای دقیق به نتایج و ره آوردهای حکایتی بزرگ و مهم کرده است. و این نگرش ژرف قرآنی و بیان واقعی و به دور از تحریف و تبدیل، در مقایسه با افسانه‌سرایی‌ها و داستان پردازی‌های وهن آلودی که در منابع دیگر، آمده است. به خوبی اعتلای قرآن و عظمت آفریننده آن را در منظر انسان‌های منصف،

^۱ - سوره یس: ۷۰

قرار داده است.

در حالی که در منابع موجود درباره انبیاء، غلو و دروغ، به هم در آمیخته و مطالبی به دور از شئون انبیاء بیان شده است.

امروز در سراسر عالم هیچ سند معتبر و هیچ مدرک معتمدی جز قرآن برای اثبات وجود و نبوت آن بزرگواران نیست و تنها قرآن است که ساحت مقدس موسی و عیسی و... را از هر گونه آلایش پاک می‌داند و آنها را از تهمت‌های ناروا و نسبت‌های ناشایسته تنزیه و تبرئه می‌کند. در زمینه اخلاق، شیوه اعتدال را برگزیده و با نگاهی واقع‌گرا به انسان، وجود شهوات را زمینه‌ای برای رقابت سازنده و سالم و بستری مناسب برای رشد و هدایت او دانسته و توصیه کرده است که با استفاده بهینه از نیروی جسمانی، امکان پرواز روح و رسیدن به نهایت رشد و معنویت را برای خویشتن فراهم کند. روش قرآن، آن است که با ارائه مثلهایی ملموس و حکایتی آموزنده، اصول مهم اخلاقی را در جامعه رشد دهد.

قرآن در امور علمی نیز به ضرورت و به اقتضای هدایت و تربیت انسان، سخن گفته است و این سخنان آنچنان عمیق و دقیق و قابل انطباق با تاریخ تحول علم است که اعتراف بزرگترین اندیشمندان و محققان را به خود جلب کرده است. و عده ای را بر آن داشته است تا تحقیقاتی عمیق، درباره حقایق علمی قرآن، عرضه نمایند.^۱

قرآن کریم، در باب انسان شناسی، عرصه‌های مختلف وجود انسان را موشکافی می‌کند. و گسترده عقل، عواطف و احساسات او را تحت پوشش تعالیم خود قرار می‌دهد. و در معرفی نفس اماره، لوامه و مطمئنه به ظرافت و دقت، رهنمودهای لازم را ارائه می‌کند.

نگاهی هر چند اجمالی و گذرا به این امور، حکایت از عدم فرسودگی و کهنگی قرآن دارد. اما آنچه که بیش از سایر امور، بالندگی و حضور قرآن در بستر زمان، مفهوم می‌بخشد آیات احکام است که حدود پانصد آیه را در بر می‌گیرد. و خداوند با عباراتی مجمل و اشاراتی گذرا، تکالیف شرعی انسان را بیان کرده است. حکمت الهی اقتضا دارد تا به ویژه این بخش از قرآن، در مکتب ائمه معصومین و در غیبت آنان، در محضر معلمین وارسته و عالمانی زمان شناس که نماد و الگوی مجسم حقایق دینی هستند، شرح و تفسیر شود. و فلسفه زنده بودن مجتهد نیز با این موضوع مرتبط است.

با این نگاه به قرآن، ملاحظه می‌کنیم که خداوند قرآن را آنچنان تدبیر و تنظیم فرموده است که غبار زمان، نمی‌تواند وجودش را فرا گیرد و در همه اعصار و قرون، کاملترین و بهترین روش تعالی و پویایی انسان، در آن متجلی است.

این است که امام علی (ع)، مفسر راستین و برترین مجسم عینی آیات الهی و قرآن ناطق، این کتاب الهی را منشأ همه ثروتها و عامل رفع همه نیازها می‌شمارد و کسانی را که از نعمت قرآن بی بهره‌اند، موجوداتی زبون و فقیر می‌شمارد.

^۱ - ما نند: چند جلد کتاب تحت عنوان "اولین دانشگاه و آخرین پیامبر"، اثر شهید دکتر پاک نژاد و کتاب "باد و باران در قرآن" اثر مهندس مهدی بازرگان و...

وَاعْلَمُوا أَنَّهُ لَيْسَ عَلَى أَحَدٍ بَعْدَ الْقُرْآنِ مِنْ فَائِهِ وَلَا لِأَحَدٍ قَبْلَهُ
الْقُرْآنِ مِنْ غِنَى^۱

بدانید که برای کسی که با قرآن مأنوس و همنشین شود، فقر و ناتوانی وجود ندارد، و آنان که روی از قرآن بر می‌تابند، هرگز از لذت غنی و توانگری برخوردار نمی‌شوند. بدون تدبیر در قرآن، نمی‌توان از ذخایر بیکران و پر خیر و برکت کلام خدا، بهره جست، و خود را از ظلمت شک و تردید و حیرت و سرگردانی رهانید و به ایمانی راسخ و یقینی استوار، دست یافت.

«هَذَا بَصَائِرُ لِلنَّاسِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ^۲»

این (قرآن) برای عموم مردم مایه بصیرت بسیار و برای اهل یقین موجب هدایت و رحمت پرودگار است.

مردی از امام رضا (ع) سؤال کرد؛ چگونه است که قرآن، هر چه بیشتر مطالعه می‌شود و انتشار می‌یابد، تازه‌تر می‌گردد؟ امام فرمودند: علت این امر آن است که خداوند بزرگ، قرآن را برای زمان، مکان و مردم خاصی قرار نداده است. لذا تا روز قیامت، در هر زمانی، تازه و نزد هر ملتی با طراوت است.^۳

قرآن در متن زندگی:

قرآن تنها کتابی است که با درون انسان سر و کار دارد و می‌تواند در میان تاریکی‌ها، درون انسان را همانند شب پر ماه و ستاره، فروزان کند.

این کتاب باید در زندگی انسان حضور عینی و ملموس داشته باشد. و اثر آموزه‌های آن در همه کردارها و رفتارهای جامعه قرآنی، متجلی باشد. و رفتار کارگزاران اسلامی، تجسم آیات قرآنی باشد. نه اینکه در سخن و زبان، از قرآن بگوییم و مجالس قرائت و درس و بحث قرآن برپا کنیم، اما در عمل آنچنان سرگردان و نابسامان باشیم که قرآن از ما بگریزد و پیامبر عزیزمان از ما شکایت کند.

وَ قَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا^۴

در آن روز، رسول به شکوه در پیشگاه ربّ العزه عرض کند بارالها! (تو آگاهی که) امت من این قرآن بزرگ کتاب تو را به کلی متروک و رها کردند (و پیرو کافران شدند)

ادعای شیعه بودن و دعوی پیوند با قرآن و اسلام، جز با عمل صالح و کردار پسندیده، سازگار نیست. جای تأسف فراوان و اندوهی عمیق است که علیرغم تأکید فراوان قرآن و پیامبر (ص) و ائمه و اولیاء دین، مؤمنان به قرآن، در عمل به تعالیم این کتاب آسمانی کوتاهی و غفلت

^۱ - شهیدی، سید جعفر، ترجمه نهج البلاغه، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷، ص ۱۸۲ / معادیلخواه، عبدالمجید، خورشید بی غروب، تهران، انتشارات ذر، ۱۳۷۳، ص ۲۰۵

^۲ - سوره جاثیه: ۲۰

^۳ - بحارالانوار، ج ۲، ص ۲۸۰

^۴ - سوره فرقان: ۳۰

می‌کنند و علیرغم توصیه امیرالمؤمنین که فرمودند:

اللَّهُ فِي الْقُرْآنِ لَا يَسْبِقُكُمْ بِالْعَمَلِ بِهِ غَيْرُكُمْ^۱

شما را به خدا، شما را به خدا، نسبت به قرآن اهتمام ورزید و چنان نباشد که دیگران در عمل به آن از شما سبقت بگیرند.

با هزاران افسوس باید اعتراف کنیم که دیگران در عمل به آن از ما سبقت گرفته‌اند. غم انگیزتر آنکه اگر سخنی را از اولیای دین بشنویم چندان به مذاق ما خوش نمی‌آید، ولی اگر همان سخن را یک شخصیت سرشناس خارجی از زبان خودش بیان کند، با آب و تاب نقل می‌کنیم.

رمز مسئله در آن است که متأسفانه عمل مدعیان قرآن با فرهنگ قرآن هماهنگ نیست. و حال آنکه از عبدالرحمن سلمی روایت کرده‌اند که برخی اصحاب پیامبر (ص)، قرآن را ده آیه، ده آیه تعلیم می‌گرفتند، و تا زمانی که علم ده آیه را درست نمی‌آموختند و به آن عمل نمی‌کردند به ده آیه دیگر نمی‌پرداختند.^۲

قرآن جریان هستی را با کلماتی نورانی و تأثیر گذار بر روح و جان آفرینش نازل کرد تا جویندگان آب زلال هدایت، فرصت آگاهی از حقایق متعالی را در اختیار داشته باشند. قرآن اجتماع بشری را از تاریکی به نور، از یأس به امید، از سکون به حرکت و از خواری و ذلت به عزت و سربلندی فرا می‌خواند.

انسان در رویکرد خود به قرآن، همانند قطره آبی است که در بستر رودی جاری شود که به اقیانوسی بیکران و ژرف می‌پیوندد و او را به منشأ پاکی و صفا و تحرک و تعالی متصل می‌کند. مدرسه قرآن، در پی آن است که فضایل و ارزش‌ها را احیا و تبعیضات نژادی و طبقاتی را لغو و ابطال کند. و معیارهایی برتر و کاملتر از آنچه در نگاه تنگ و منظر محدود انسان قرار داشته است، تبیین نماید. و از تمرکز قدرت و ثروت و فرصت، در میان جمعی و بروز فقر و ضعف و ذلت در جماعتی دیگر جلوگیری کند. و انسان را از آنچه زیر نقابهای تهدید و تطمیع و فریب است، آگاه نماید.

کارلیل می‌گوید: "قرآن، صدایی است که از دل هستی و قلب وجود برخاسته است"^۳. قرآن، راه رسیدن به حق و عدالت و آزادی و قدرت و پیشرفت را، با اصول ارزشی و فضایل معنوی درهم می‌آمیزد و شیوه عملی دستیابی به آن را بیان می‌کند.

در فرهنگ قرآنی، غبارهای جهالت و حماقت و استبداد و خرافه دریده می‌شود. و انسانی آگاه با باوری عمیق نسبت به خود و احترامی متقابل به دیگران و با انگیزه گسترش محبت و فضیلت تربیت می‌شود و نه تنها از آگاهی و پرسشگری و ژرف نگری دیگران هراسی به دل نمی‌دهد. بلکه عدم تحقیق و جستجو و سؤال را نشانه غفلت درونی و عدم احساس مسئولیت، معرفی می‌کند. و دهها بار انسانها را به تدبیر و تأمل و تفکر، تشویق و هدایت می‌کند و می‌فرماید:

^۱ - نهج البلاغه (ش)، نامه ۴۷، ص ۳۲۱ / (م) ص ۳۴۷

^۲ - الحیاء، ج ۲، ص ۵۵

^۳ - تفسیر نوین، ص ۴۵ مقدمه